

بررسی عوامل تحریف در خاطرات شفاهی

(با تکیه بر آثار منتشر شده خاطرات شفاهی در گیلان، ۱۳۹۰-۱۴۰۰)

چکیده:

خاطرات شفاهی یکی از راه‌های دسترسی به رخدادهای گذشته است، اما گاهی راویان خاطره، اصحاب رسانه و قدرت و... وقایع را به نفع خود تغییر می‌دهند. براساس این پژوهش، تحریف هاطرات شفاهی به دو صورت فردی و غیرفردی انجام می‌شود. در بخش فردی، گنجانیدن تصورات شخصی، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادهای، ابراز گزینشی و کتمان برخی خاطرات، پیری و فراموشی، ممکن است تحریف در روایت را رقم بزند. در بخش غیرفردی هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع، سوژه‌ها و موضوعات ممنوعه، حمایت از واقعه‌نگاری‌های خاص، تغییر زمینه و بافت جامعه و زیباسازی در خاطره با سازوکار ادبیات برخی از عوامل تحریف خاطرات شفاهی هستند که با تکیه بر کتاب‌های منتشر شده در گیلان در بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش هستند؛ چه عواملی موجب تحریف خاطره می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: از آنجا که کنشگران و شاهدان عینی رویدادها، روایت‌شان براساس مصلحت، منافع، طرز تفکر و ... شکل می‌گیرد، اغلب شاهد روایت‌هایی متفاوت از رویدادها هستیم. این تفاوت‌ها می‌تواند به اعتبار روایت خدشه وارد کند. همچنین صاحبان قدرت و رسانه تلاش می‌کنند رخدادهای را به نفع خویش بازتعریف کنند. از این‌رو برای رسیدن به گفتارهای نزدیک به واقعیت، علاوه بر بهره‌مندی از روایت‌های متعدد، راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی، استفاده از اسناد آرشیوی نیز می‌تواند نقش مهمی در بازنمایی خاطرات ایفا کند. روش تحقیق در این پژوهش، روش تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: خاطرات شفاهی، مصاحبه، کشف حقیقت، تحریف، گیلان.

مقدمه

یکی از مهمترین شیوه‌های ثبت رخداد از گذشته، بازنویسی وقایع است که «در ایران پشتوانه ادبی، روایی، تاریخی دارد. در نقالی، در روایت‌گری، در مقتل خوانی، در تذکره‌نگاری و مقامه‌پردازی و حکایت‌گویی و حسب‌الحال‌نگاری، حدیث، خطابه و خطبه و امثال آن» (کمری، ۱۳۹۴: ۵۲)، با این حال در عصر نوین به جهت تنوع داده‌های اجتماعی، رسانه‌ای و سایر ابزارهای انتقال خبر، از خاطره به عنوان یکی از منابع تاریخ‌نگاری یاد می‌شود، اما خاطره و تاریخ شفاهی «نوعی شیوه جمع‌آوری و آماده‌سازی اطلاعات تاریخی است از طریق ضبط مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رویدادهای تاریخی» (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۴) و یا به عبارتی علم به کارگیری ثبت اطلاعات عموم مردم و برداشت‌های آن‌ها از یک رویداد است و شاید «چیزی فراتر از ثبت اطلاعات جدید است، چون تمام آنچه را که مشتاقان در احوال گذشتگان به‌دنبالش می‌گردند در تاریخ شفاهی هست» (کونیلن و باربارادبلیو، ۱۳۹۲: ۱۸). با وجود تمام ویژگی‌های مثبت خاطره باید به یاد داشته باشیم که هر پدیده تاریخی می‌تواند دچار تحریف شود و پژوهشگران و مورخان باید برای رسیدن به روایت‌های منطبق بر حقایق تاریخی تلاش کنند. در تاریخ معاصر ایران حجم بسیار بالایی از فیلم، مصاحبه و خبرهای تاریخی وجود دارد که در صورت دسترسی مورخ به این داده‌ها، برخی از وقایع مهم تاریخی می‌تواند مورد بازنگری و بازنویسی قرار گیرد.

دو واقعه مهم و تاثیرگذار بر تاریخ معاصر ایران، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق است. نحوه بازگویی از این دو واقعه تاثیرگذار، بسیار متفاوت است. زیرا منابع رسمی و غیررسمی روایت‌های گوناگونی از آن ارائه می‌کنند. از این رو در چند دهه اخیر خاطره‌نگاری در ایران با حمایت برخی دستگاه‌های دولتی و نهادها برای ثبت و ضبط رخدادهای جنگ ایران و عراق، پیروزی

انقلاب اسلامی و... آغاز شد. یکی از اهداف خاطرات شفاهی کشف حقیقت است و اگر همه عوامل تولیدکننده خاطرات شفاهی در راستای این هدف گام بردارند تا حدودی به حقیقت نزدیک می‌شویم، اما اگر از سوی خاطره‌مندان، پژوهشگران، دستگاه‌های حمایت‌کننده و... در بازگویی رخداد دخل و تصرف صورت گیرد، بخشی از تاریخ به سمت تحریف خواهد رفت. در این مقاله تلاش می‌شود تا به عوامل تحریف در خاطرات شفاهی پرداخته شود. با توجه به موضوع پژوهش، نگارنده در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است؛ چه عواملی به تحریف خاطرات شفاهی دامن می‌زند؟ همچنین در ادامه این پرسش مطرح می‌شود: آیا صاحبان قدرت در بازمهندسی روایت‌ها نقش ایفا می‌کنند؟ با توجه به عدم دسترسی به منابع قابل اعتماد درباره تحولات سیاسی و اجتماعی سال‌های اخیر و میزان تاثیرگذاری آن‌ها بر تحولات جاری، به نظر می‌رسد خاطرات شفاهی با وجود اهمیتی که در نقل روایت‌های گوناگون دارند، همواره بر مدار منافع راوی قرار دارند. از این رو در استناد به خاطرات شفاهی باید با احتیاط برخورد کرد. همچنان که در تاریخ نیز ممکن است برخی اسناد بر مدار منافع صاحبان قدرت تنظیم شده باشند. البته «مورخ شفاهی امکان این را دارد که هر جا خواستار اطلاعات بیشتری باشد، از خود منبع پرس‌وجو کند» (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۵۸). ولی در تاریخ این امکان در دسترس نیست.

لازم به ذکر است تمامی آثاری که در این مقاله بررسی شده‌اند، بین سال‌های ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰ با موضوع انقلاب اسلامی، جنگ بین ایران و عراق و زندگی هنرمندان استان گیلان منتشر شده‌اند و گروه تاریخ شفاهی حوزه هنری گیلان که اعضای آن عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگران استان هستند، در سال ۱۴۰۱ این آثار را به عنوان مهمترین آثار تاریخ شفاهی در دهه ۱۳۹۰ در گیلان معرفی کرده‌اند (نک: ویژه‌نامه درنگ، ۱۴۰۲: ۱۸).

پیشینه تحقیق

خاطرات شفاهی و تاریخ شفاهی اگرچه باهم تفاوت‌هایی دارند، اما شباهت‌های این دو پدیده نیز بسیار است. این دو پدیده چند دهه‌ای است که در ایران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند. مهمترین پروژه در این زمینه، تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد است که در آن با بیش از ۱۴۰ نفر از بازماندگان عصر پهلوی که مهمترین کنشگران این دوره بوده‌اند، مصاحبه شده است. در ایران نیز بنیادها و موسسات خصوصی و دولتی برای اهداف مورد نظر خود، فعالیت‌های متعددی را در زمینه ثبت خاطرات به انجام رسانده‌اند. علاوه بر این، برگزاری سمینارها و پژوهش‌های مستقل نیز نشان‌دهنده اهمیت خاطرات شفاهی در مطالعات تاریخ معاصر ایران است. از مهمترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

۱. پرسمان‌یاد (کمری، ۱۳۹۴)، این کتاب در ۱۵ بخش تنظیم شده است و برخی از فعالان ادب‌پایداری، مهم‌ترین آسیب‌ها و پرسش‌هایی را که پیرامون خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی با آن روبه‌رو بوده‌اند، از علی‌رضا کمری پرسیده‌اند و ایشان مبسوط به این پرسش‌ها پاسخ گفته است.
 ۲. پویه پایداری (کمری، ۱۳۹۷) مجموعه مقالات مرتضی سرهنگی، هدایت‌الله بهبودی و علی‌رضا کمری است که در آن به خاطره و خاطره‌نگاری و در فرازهایی به دخل و تصرف در خاطرات شفاهی پرداخته شده است.
 ۳. تاریخ شفاهی دفاع مقدس (عزیزی، ۱۳۹۰) مجموعه مقالات ۳۶ تن از پژوهشگران پیرامون خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی دفاع مقدس است که به مصاحبه، تدوین و... در تاریخ شفاهی پرداخته و آثار متعددی را نقد و بررسی کرده است که برخی از مقالات آن به تحریف خاطره پرداخته‌اند.
 ۴. خاطره و گفتمان جنگ (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷) ترجمه فرهاد ساسانی از محدود آثار ترجمه خارجی است که با پنج مقاله به عوامل دگردیسی خاطره پرداخته و برخی از دلایل علمی آن را ذکر کرده است. از دیگر آثاری که در آن با نگاهی آسیب‌شناسانه به خاطره و تاریخ شفاهی پرداخته شده است، می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد:
 ۵. «خاک و خاطره» احمد دهقان (۱۳۸۶)
 ۶. «یادنگاران» مجموعه گفت‌وگو با خاطره‌نویسان دفاع مقدس به‌همت معزز پرنیان (۱۳۸۴)
- «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی» نوشته مرتضی نورایی و مهدی ابوالحسنی ترقی (۱۳۸۹)

براساس بررسی نگارندگان در مورد عوامل تحریف خاطره و تاریخ شفاهی در قالب کتاب و مقاله در ایران تاکنون اثر مستقلی منتشر نشده است، اما در کتاب‌ها و مقالات یادشده به این پدیده ذیل اعتبار روایت، راستی‌آزمایی، آسیب‌شناسی خاطره و ... پرداخته شده است. رویکرد نگارندگان به این موضوع گردآوری حداکثری عوامل تحریف خاطره با تکیه بر آثار منتشر شده در گیلان است تا راه دسترسی به روایت‌های معتبر و سره از ناسره تاریخی راحت‌تر امکان‌پذیر باشد.

تحریف خاطرات

خاطره از آن دست پدیده‌هایی است که تحت تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... مرتب در حال تغییر است. قریب به اتفاق آدم‌ها هر بار که خاطره‌ای را تعریف می‌کنند صورتی جدید از آن را جان می‌بخشند. حتی خوش حافظه‌ترین انسان‌ها نیز قادر نیستند یک خاطره و رخداد را بدون تغییر، بازتعریف کنند. پس تغییر در بازتعریف خاطره، جزء ذات آن است، اما وقتی به دلایل مختلف این تغییرات، تعدی انجام شود، از جمله برای میرا دانستن خود و دیگران از خطاها و... ممکن است که بنیاد خاطره تهدید شود تا جایی که با پدیده‌ای به نام تحریف روبه‌رو می‌شویم. البته مصاحبه‌گر آگاه با تسلطی که بر رویدادها دارد، همچنین رجوع به روایت‌های دیگر، اسناد و... می‌تواند این بازروایی را به واقعیت نزدیک کند، اما آن‌چه که اکنون به عنوان خاطرات شفاهی در گیلان، در حال انتشار است، کمتر از صافی راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی می‌گذرد. تحریف در لغت، یعنی تفسیر سخن برخلاف مقصود، یعنی کج کردن و گرداندن سخن از معنای اصلی. و در تاریخ شاید بیش از سایر پدیده‌ها تحریف اتفاق می‌افتد. پژوهشگران معتقدند در بازسازی تاریخ از طریق جمع‌آوری روایت‌های گروه‌های مختلف مردم «طیفی از واقعیت‌ها تا حدیث نفس و افسانه‌سرایی و داستان‌گویی وجود دارد» (تاج‌آبادی و مرادی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۴۹). تحریف خاطره به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد که در این مقاله با تکیه بر کتاب‌های خاطرات شفاهی استان گیلان به دو دسته از این تحریف‌ها پرداخته می‌شود که در دسته نخست، راوی نقش تعیین‌کننده در تحریف دارد و در دسته دوم، عواملی به غیر از راویان از جمله نگارندگان، اصحاب قدرت، تغییرات اجتماعی، سیاسی و... در آن نقش بیشتری ایفا می‌کنند. البته نباید از نظر دور داشت که در تحریفات فردی و غیرفردی هم‌پوشانی‌هایی وجود دارد که در اینجا براساس تعیین‌کنندگی بیشتر نقش‌ها- راوی یا سایر عوامل- دسته‌بندی صورت گرفته است.

۱. تحریفات فردی

در این نوع از تحریف نقش اصلی را در به انحراف کشیدن خاطره، فرد صاحب خاطره ایفا می‌کند و عوامل بیرونی تاثیر کمتری بر روی تغییر ماهیت و بازگویی و بازنویسی خاطره ایفا می‌کنند. برخی از مهمترین عوامل تحریفات فردی به قرار زیر است:

۱-۱. ورود تصورات شخصی به خاطره، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادها

گاهی ذهن انسان در طول زمان چنان واقعیت را تغییر می‌دهد که رویداد اصلی فراموش، و روایت برساخته ذهنی، جایگزین آن می‌شود. به همین خاطر است که تصورات شخصی پا به حیطة تاریخ می‌گذارد و به وقایع تاریخی رنگ و بوی غیر واقعی می‌بخشد (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۵). یک پژوهنده آگاه باید همواره مواظب این‌گونه تصورات باشد، و با دانسته‌های خویش و پرسش‌هایی که از راوی می‌پرسد او را به سمت بازگویی دقیق خاطرات سوق دهد. در رخدادهای بیست‌وسوم مهر ۱۳۵۸ انزلی که منجر به آشوب در شهر و به آتش کشیده شدن سپاه انزلی و کشته شدن تعدادی از مردم و نیروهای سپاه شد، پنج نفر از پاسداران که خاطرات آن‌ها ثبت شده است، مدعی شدند که هنگام ترک سپاه، سوزن اسلحه‌های باقی‌مانده در ساختمان سپاه را درآوردند تا سلاح‌ها برای آشوبگران قابل استفاده نباشد (فیاضی، ۱۳۹۹). بی‌شک با توجه به اندک بودن اسلحه‌ها چنین ادعایی از همه آن افراد پذیرفته نیست و احتمالاً برای پررنگ کردن نقش خود چنین ادعایی کرده‌اند.

همچنین معمولاً شخصیت‌هایی که در سمت و سوی بازندگان سیاسی یک ماجرا هستند، تلاش می‌کنند در بازگویی یک واقعه نقش کم‌رنگ‌تری از آن‌چه که در واقعیت رخ داده، برای خود قائل باشند و در مواقعی دیگر ممکن است در کیفیت وقوع رخداد، مبالغه کنند. به همین خاطر «گاهی برخی از مصاحبه‌شوندگان می‌کوشند نقش خود را در واقعه‌ای، پررنگ‌تر یا کم‌رنگ‌تر نشان

دهند(عزیزی، ۱۳۸۹: ۲۵۹). حسین اصلانی در کتاب دوباره می‌نوازم (برنجی، ۱۳۹۵) زمانی که درباره عضویت خود در حزب توده سخن می‌گوید، این عضویت را اتفاقی و از روی کنجکاو و ناآگاهانه جلوه می‌دهد. یا قریب به اتفاق کسانی که در حکومت پهلوی ارتباطی با منابع قدرت داشتند، تلاش می‌کنند این ارتباط را پنهان کنند یا آن را کمرنگ جلوه بدهند. یکی از آسیب‌هایی که به خاطره‌نگاری وارد است، سرسپردن به ذهن و صداقت راویان است تا جایی که در بسیاری از کتاب‌های خاطرات، برخی از چالش‌های موجود هرگز برای مصاحبه‌گر چالش نبوده است. از همین رو، روایت واحدی از برخی رویدادها وجود دارد. «هرچه این اطلاعات از روایتی واحد باشد و امکان سنجش اطلاعات به دست آمده از طریق نقد بیرونی ممکن نباشد از اعتبار این اطلاعات کاسته خواهد شد... در این صورت باید از طریق نقد درونی مطالب، و سنجش سایر اطلاعات به دست آمده در مصاحبه با دیگر منابع کوشید تا شاید بتوان سره را از ناسره جدا ساخت(عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۵۸).

در کتاب حسن ژبیاد راوی می‌گوید: دو، سه ماه پس از پیروزی انقلاب تیمسار موحدی که از سران ساواک کشور بود در جاده شفت به امامزاده ابراهیم با تعدادی تفنگدار منطقه را قرق کرده، و ایشان به عنوان یک نیروی انقلابی به دستور آقای احسانبخش که رئیس کمیته انقلاب رشت بودند به منطقه مورد نظر رفته و تیمسار موحدی و نزدیکانش را دستگیر و تحویل داده است(نک: فیاضی، ۱۳۹۷: ۵۵-۶۰). این یک روایت واحد است و هیچ یک از کسانی که انقلاب در گیلان را درک کرده، از دستگیری چنین شخصی که اصلیتی گیلانی داشت، سخنی به میان نیاورده‌اند. اگر نگارنده به کتاب خاطرات صادق، خاطرات آیت‌الله صادق احسانبخش(۱۳۸۸) مراجعه می‌کرد متوجه می‌شد در این کتاب سخنی از دستگیری تیمسار موحدی به میان نیامده است و در عوض از شخص مجهول‌الهویه‌ای در همان منطقه صحبت شده است که با گردآوری عده‌ای، مسلحانه به اموال مردم دستبرد می‌زدند که به دستور احسانبخش، توسط نیروهای انقلابی دستگیر شده‌اند.

یکی از راه‌های جلوگیری از تحریف خاطرات راستی‌آزمایی و اعتبارسنجی ادعای راویان است که متأسفانه کمتر در خاطرات شفاهی شاهد آن هستیم و مصاحبه‌گران در این زمینه وظایف خود را به درستی به انجام نمی‌رسانند.

۱-۲. ابراز گزینشی خاطرات

انسان‌ها قادر به یادآوری همه آن‌چه بر آن‌ها گذشته است، نیستند، اما هنگام بازگویی رخدادهای زندگی‌شان، دست به گزینش هم می‌زنند و برخی رخدادها را بازگو نمی‌کنند. «در بازگویی خاطره‌ها برخی از عناصر ما جدا برجسته می‌شوند. روانشناسان این جنبه‌ها را جنبه‌های اولویت‌دار می‌نامند»(وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۳). علاوه بر این هر فرد با توجه به اعتقادات، مرام و مسلک و نگاهی که به زندگی و جهان پیرامون دارد، به ساختمان خاطره در ذهن خود شکل می‌دهد. دیدگاه‌های فردی، قوه ادراک انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و گاهی موجب می‌شود که خاطره بیان شده، به صورت گزینشی ابراز شود. این نوع جهت‌گیری را افراد با هر نوع پیشینه سیاسی یا اعتقادی اعمال می‌کنند(نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۶) که به خودی خود، ایرادی بر آن وارد نیست، اما انسان چون همواره در پی منفعت خویش است در بیان رخدادهای گذشته نیز از این سود و زیان تهی نیست و تلاش می‌کند تصویری مثبت از خود و اعمال خود به نمایش بگذارد و چه بسا برخی از نامالیمات را روایت نکند و یا در بازآفرینی رخداد در آن دخل و تصرف کند. به همین خاطر قریب به اتفاق کتاب‌هایی که در حیطه خاطرات شفاهی منتشر می‌شوند از راوی چهره‌ای مثبت، دوست‌داشتنی و جذاب ارائه می‌دهند، درحالی‌که اگر در برخی از رخدادهای تاریخی دقیق شویم و روایت‌های دیگران از یک رویداد را پیش بکشیم، ورق برمی‌گردد. در کتاب سال‌های خاکستری، هوشنگ منتصری که خواهرزاده دکتر رضا رادمش دبیرکل حزب توده ایران است و خود نیز در حزب توده عضویت داشت، جزئیات وابستگی خود را به حزب توده بیان می‌کند(امیری، ۱۳۹۳: ۴۱)، همچنین در سال‌هایی که به عنوان رئیس دانشگاه تبریز، معاونت دانشگاه صنعتی آریامهر(شریف) و استانداری کرمان فعالیت می‌کرد، خاطراتش به نگارش درآمده است، اما هرگز از ارتباط احتمالی خود با سازمان جاسوسی شوروی، کا. گ. ب سخنی به میان نمی‌آورد، در حالی که در گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۲۸ در این زمینه آمده است که منتصری چه در دوره استانداری کرمان و چه زمانی که به عنوان استاد دانشگاه در یکی از دانشگاه‌های فرانسه به تدریس اشتغال داشته، مامور کا. گ. ب بوده است (آریابخشایش، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۷).

البته گزارش ساواک شاید برای محکوم کردن منتصری متقن نباشد، اما انتظار می‌رفت ایشان در کتاب سال‌های خاکستری به برخی از اتهام‌هایی که در مطبوعات و رسانه‌ها به ایشان وارد شد، پاسخ می‌دادند از جمله به مقاله «جاسوسان کا. گ. ب در ایران، استاندار جاسوس» که در فصلنامه مطالعات تاریخی در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است که این اتفاق نیفتاد. برخی از اسرای ایرانی نیز هنگام اسارت، به دلیل شکنجه و تحت فشار قرار گرفتن از سوی ماموران عراقی، بارها مجبور به اهانت به سران نظام شده‌اند، اما قریب به اتفاق راویان در روایت‌های خود چنین خاطره‌هایی را بازگو نمی‌کنند. همچنین برخی از کسانی که از اعضای انجمن حجتیه هستند، پس از اعلام نظر امام خمینی درباره این انجمن، فعالیت‌های خود در این انجمن را بازگو نکرده‌اند. این موارد نمونه‌هایی از ابراز گزینشی خاطره است که می‌توانست با پرسشگری یک مصاحبه‌گر آگاه، روایت دقیق‌تری پیش روی مخاطبان قرار بگیرد.

۳-۱. پیری و فراموشی

کیفیت مصاحبه در تاریخ شفاهی تا حدود زیادی به حافظه مصاحبه‌شونده‌ها بازمی‌گردد تا جایی که از آن با عبارت‌هایی از قبیل ماهیت غیرقابل اعتماد نیز یاد کرده‌اند. معمولاً چهره‌های سیاسی و مقامات دولتی، گروه‌های اپوزیسیون و رزمندگان درگیر در عملیات‌های مهم نظامی، به ملاحظات متعدد حاضر نیستند خاطرات خود را در همان زمانی که واقعه در حال رخ دادن است بیان کنند. این مهم بعضاً به سال‌ها و دهه‌های بعد موکول می‌شود. بنابراین طبیعی است که بسیاری از جزئیات و خصوصاً ریز گفت‌وگوها و حوادث از حافظه پاک شود و تنها شبح کلی از واقعیت‌ها در ذهن بماند (یا حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۳). یکی از مشکلات پژوهشگران شفاهی مواجهه با سالمندانی است که بسیاری از رخدادها را خوب به یاد نمی‌آورند یا اینکه برجستگی‌های رخدادها برای آن‌ها کم‌رنگ شده است. در همین راستا برخی از کتاب‌های خاطره به‌ویژه با محوریت هنرمندان گیلان از این منظر دچار آسیب شده است. در کتاب آقای هنر (حق‌ره، ۱۳۹۷) که خاطرات منوچهر ویسانلو را دربر دارد بسیاری از رخدادهای زندگی‌اش در کتاب دیده نمی‌شود، از جمله رخدادهای شهریور ۱۳۲۰ که منجر به اشغال شهر محل زندگی راوی شد. همچنین در کتاب ایستاده در زمان (فیاضی، ۱۳۹۶: ۶۷) بسیاری از رخدادهای پیروزی انقلاب اسلامی در کتاب نیامده است، این در حالی است که راوی از مبارزان تاثیرگذار پیروزی انقلاب در گیلان است.

دانشمندان معتقدند که رخدادها «همچون وقایع باستان‌شناختی ذخیره می‌شوند؛ یعنی همان‌جا می‌مانند، حتی اگر ردهای دیگر روی آن قرار بگیرند... اما دسترسی به یاد آمدن خاطره‌ها به شدت تحت تاثیر بازگویی این روایت‌هاست» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۲). این امر نشان می‌دهد که باید همواره صاحبان خاطره را در معرض بازگویی رویدادها قرار دهیم تا با تمرکز بر بخش‌های کم‌رنگ و پنهان رویدادها، آن‌ها را بهتر به خاطر بیاورند. هرچه از زمان وقوع رخدادها برای ثبت و ضبط آن فاصله بگیریم فراموشی و تحریف، روایت‌های اصیل را بیشتر تهدید می‌کند.

۲. تحریفات غیرفردی

علاوه بر تحریفات فردی که راوی در ایجاد آن نقش اصلی را ایفا می‌کند، عوامل دیگری به غیر از راویان نیز در به انحراف کشیدن خاطره نقش دارند. در تحریفات غیرفردی صاحبان قدرت و رسانه‌ها، تحولات اجتماعی و سیاسی، مصاحبه‌کنندگان و... بازطراحی رخدادها را برعهده می‌گیرند و بر روی کیفیت ابراز آن از سوی خاطره‌مند تاثیر می‌گذارند. برخی از عوامل تحریفات غیرفردی به شرح زیر است.

۱-۲. هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع

دسته‌ای از خاطرات برای مردم، خاطرات مشترک هستند که مردم یک منطقه، کشور و... آن را به خاطر می‌آورند. «حافظه جمعی یعنی خاطراتی که گروهی از انسان‌ها در آن سهیم بوده، آن را به دیگران انتقال داده یا در شکل‌گیری آن دخالت دارند» (پسران و سهام‌پور، ۱۳۹۰: ۵). در واقع این خاطرات مشترک، در جزئیات باهم متفاوتند، اما در کل به خاطر اشتراک زیادی که در محتوا و همسویی با یکدیگر دارند از آن به‌عنوان خاطرات جمعی یاد می‌شود. جامعه‌شناسان می‌گویند: «جامعه‌ها یاد نمی‌گیرند، افراد جامعه

یاد می‌گیرند، ولی یادگیریشان آن قدر با یکدیگر همپوشی دارد که بتوانیم به زبان استعاری از یادگیری اجتماعی سخن بگوییم» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۶۶)، اما چطور می‌شود که یک خاطره به خاطره جمعی تبدیل می‌شود و یک ملت آن را به یاد می‌آورند و بازگو می‌کنند. خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یاد آوردن گزینشی و توافق شده میان آن گروه است. این مفهوم به مجموعه‌ای از حافظه فردی و گروهی اشاره دارد که اتفاق می‌افتد، مشترک می‌شود و می‌گذرد. در واقع این فرد است که به یاد می‌آورد، اما جامعه است که تعیین می‌کند چه چیزی ارزش به یاد آوردن را دارد (شعله، ۱۳۸۵: ۱۷-۲۶).

بسیاری از اقوالی که شهرت ظاهراً تاریخی دارند، معلوم نیست، صحت داشته باشد. کار مورخ در حوزه تاریخ‌شناختی علمی این است که این اظهارات را به‌عنوان یک پدیدار روایی بشنود و تسلیم مشهورات نشود. خاطره‌نویسی، از نوع بازروایی/ بازنمایی، بازگویی است. یعنی رویدادی را که فلانی گفته برای شخص دیگر، آن دیگری رویداد را پردازش می‌کند برای شما. اصل روایت تاریخی همین‌طور شکل می‌گیرد، حتی بافته می‌شود، اضافه می‌شود، جوری که ممکن است با آن چیزی که رخ داده بسیار تفاوت داشته باشد (کمری، ۱۳۹۴: ۱۹۳-۲۰۳).

معمولاً حکومت‌ها با هدایت خاطرات جمعی، جوامع را با خود همسو و دیدگاه آن‌ها را نسبت به خود تلطیف می‌کنند. محققان معتقدند: «همه رهبران سیاسی، گذشته را به نفع خودشان دست‌کاری می‌کنند» (وینتر و سیوان، ۱۳۸۷: ۵۰). می‌شود گفت: یکی از دلایل وجوبی خاطرات شفاهی بازتاب‌دادن آرا مردم عادی است؛ چرا که گمان بر این است که تاریخ را همواره زمامداران نوشته‌اند. در چند دهه اخیر به‌واسطه بمباران رسانه‌ای، گاهی حتی افراد درگیر یک رخداد، واقعه را آن‌گونه که رسانه‌ها و ابزار قدرت تفسیر می‌کنند، به یاد می‌آورند، چرا که «تاثیرات بیرونی می‌تواند برخی برداشت‌ها یا رخدادها را به‌واسطه آگهی، شست‌وشوی مغزی یا تبلیغات به ما بقبولاند» (همان: ۶۱-۶۲). اگر اکنون از قریب به اتفاق کسانی که انقلاب را درک کرده‌اند، بپرسید که در روز ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان ژاله چند نفر شهید شده‌اند، قریب به اتفاق مردم آماری بیش از هزار نفر و دوهزار نفر را در ذهنشان نقش می‌بندد، در حالی که این آمار بر اساس فرهنگ اعلام شهدا/ جامع کل استان‌ها (۱۳۹۷) حدود صد نفر است، و این نمونه‌ای از یک خاطره جمعی دگرگون شده است.

جنبش جنگل نیز یکی از خاطرات جمعی ما ایرانیان است که اگرچه در حیطه خاطرات شفاهی نمی‌گنجد، اما در دو دوره حکومتی، سرنوشتی متفاوت داشته است. خاطرات جمعی در طول دوره پهلوی به‌گونه‌ای کُدگذاری شده بود که با شنیدن نام میرزا، ذهن مردم به سمت یاغی‌گری و راهزنی برود، نه مبارز آزادی‌خواه. حکومت پهلوی علاوه بر سرکوب و تاراندن اعضای جنبش جنگل از عناصر فرهنگی هم برای هدایت خاطرات جمعی بهره می‌گیرد، چنان که ملک‌الشعراى بهار (۱۲۶۵-۱۳۳۰) که ارتباط نزدیکی با دربار دارد، در مذمت جنبش جنگل سروده است:

شد به اقبال شهنش، ختم کار جنگلی جنگل از خلخال و طارم امن شد تا انزلی

دولت دزدان جنگل، سخت مستعجل فتاد دولت دزدی، بلی باشد بدین مستعجلی... (ملک‌الشعراى بهار، ۱۳۹۴: ۸۶۷)

اما پس از پیروزی انقلاب دوباره کُدگذاری‌ها عوض، و میرزا کوچک به‌عنوان طلبه روحانی و مبارز ضد استبداد و استعمار معرفی می‌شود، همچنین در همان دهه نخست انقلاب با تولید سریال کوچک جنگلی این خاطره جمعی بازتعریف می‌شود، البته در راستای آن‌چه که در تعارض با آمال انقلاب اسلامی نباشد و از ارائه بخش‌هایی خودداری می‌شود، از جمله راه‌اندازی حکومت جمهوری شورایی با مرام سوسیالیستی در گیلان، این رویکردهای سلیقه‌ای نشان‌دهنده نگاه ابزاری به تاریخ است که در نهایت موجب به مسلخ کشیدن جنبش‌های اجتماعی و مردمی می‌شود (پناهی، ۱۴۰۰: ۱۵۳).

در خاطرات شفاهی مردم گیلان ایران، کمتر از مخالفت با جنگ هشت‌ساله ایران با عراق سخن به میان آمده است، این در حالی‌ست که مخالفان این جنگ در کشور ما کم نبودند تا جایی که در گیلان صدها و شاید هزاران نفر از سربازان فراری و غایب دستگیر، و اجباراً به جنگ فرستاده شدند و برخی از آن‌ها نیز به شهادت رسیدند. کتاب ششمین روز سرگردانی (احمدپور، ۱۳۹۵) از معدود کتاب‌هایی است که به زندگی یک سرباز فراری از اهالی گیلان می‌پردازد که به دست دشمن اسیر می‌شود و پس از دو سال و اندی به وطن بازمی‌گردد. در طول چند دهه اخیر تلاش شده است با هدایت خاطرات جمعی به وجهه قدسی جنگ ایران و عراق، روایت مخالفان جنگ شنیده نشود و اغلب روایت ایثار و شجاعت از مبادی رسمی شنیده می‌شود.

۲-۲. سوژه‌ها و موضوعات ممنوعه

از دیگر آفت‌هایی که خاطرات شفاهی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، نگاه حذفی به سوژه‌هاست. به‌عنوان مثال «با وجود ارائه داده‌ها و اطلاعات وسیع و گسترده درباره گروه‌ها و شخصیت‌های مبارز در دوران پهلوی و وقایع و رخداد‌های سال‌های نخستین پیروزی انقلاب، برهه‌ها و موضوعات و مطالبی چند از تاریخ مبارزات مسلحانه و چریکی مغفول مانده یا به سکوت برگزار شده است» (ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۶: ۴۷). مثلاً اعضای مجاهدین خلق که در پیروزی انقلاب نقش داشتند، به دلیل درگیریهایی که با جمهوری اسلامی پیدا کردند؛ اکنون مجاز به مصاحبه با آنان و شنیدن خاطرات‌شان نیستیم. این دست ملاحظات همواره بخشی از رخدادها را در محاق باقی می‌گذارد. «مصاحبه تخصصی بدون شائبه‌هایی از قبیل جانبداری می‌تواند مورد استفاده طیف گسترده‌ای از محققان قرار بگیرد» (نورایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). در کتاب گزارش به آینده (فیاضی، ۱۳۹۹) که حاوی بیش از سی روایت، از شاهدان عینی و کنشگران رخداد‌های مهر ۱۳۵۸ انزلی است تنها با روایانی روبه‌رو هستیم که در جبهه همسو با جمهوری اسلامی ایران قرار دارند و خانواده‌های کسانی که در جبهه مقابل کشته شدند، یا کسانی که خود به‌عنوان کنشگر در این رخداد حاضر بودند، بنابر داده‌های مقدمه کتاب، به‌خاطر ایمن ماندن از آسیب‌های احتمالی و... حاضر به مصاحبه نشدند. همین عدم پذیرش مصاحبه از سوی طیف مقابل واقعه مهر انزلی که برعلیه سپاه پاسداران اقدام کرده بودند؛ جای روایت آنان را در کتاب گزارش به آینده به‌طرز مشهودی خالی گذاشته است و این اثر را با وجود ارزشمندبودن به چالش می‌کشد، چرا که روایت گروه مقابل، فرصت عرضه پیدا نکرده است.

برخی از جبهه‌گیری‌های سیاسی نیز موجب می‌شود افرادی را که در گذشته در برهه‌ای از تاریخ معاصر نقش داشته‌اند، از دایره سوژه حذف کنیم، در حالی که از منظر تاریخ، عملکرد سیاسی حال حاضر یک سوژه نباید ملاک مصاحبه و عدم مصاحبه باشد. «ما مکلفیم تا کادری باز از رخداد‌های گذشته... را در اختیار نسل جوان قرار دهیم» (پرحلم، ۱۳۹۳: ۱۴۹)، چنانکه تا کنون هیچ یک از مبارزان انقلاب و رزمندگانی که مثلاً در جریانات سال ۱۳۸۸ از طیف میرحسین موسوی در گیلان حمایت کرده‌اند، در زمینه خاطرات انقلاب و جنگ با آن‌ها مصاحبه نشده است. حذف طیفی از روایان می‌تواند منجر به ناگفته ماندن بخشی از تاریخ یا تحریف آن شود.

۲-۳. حمایت از خاطره‌نگاری‌های خاص

تقریباً همه سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی که به تولید آثار ادب پایداری اشتغال دارند، از طرف نهاد قدرت حمایت می‌شوند. وجود رابطه میان آثار ادبی و هنری مرتبط با انقلاب و جنگ و حکومت موجب شده است که این آثار صفت «دولتی» بگیرند (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۳۰). از آنجا که دستگاه‌ها در راستای ایدئولوژی و خواسته‌های دولت حرکت می‌کنند، برخی از جنبه‌های خاطرات شفاهی هنگام مصاحبه از سوی مصاحبه‌گر مطرح نمی‌شود و یا در تدوین به آن پرداخته نمی‌شود. این موضوع می‌تواند یک آسیب جدی در حیطه خاطرات شفاهی باشد. معمولاً هر دولتی ایدئولوژی خاص خود را دارد و در محصولات فرهنگی و دانشی که زیر نظر این دولت یا با هزینه آن تولید می‌شود تا حد زیادی آن ایدئولوژی حضور مستقیم دارد (یا حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۵-۱۸۶).

اگرچه حمایت حکومت از ادب پایداری برآمده از یک جنگ تحمیلی، طبیعی است، اما «پیوستگی ادب پایداری به حکومت اگر در روند و استمرار خود، نظارت و اعمال سلیقه را پیش آورد، موجب توهمی خطرناک خواهد شد» (بهبودی، ۱۳۹۷: ۲۳۲). در پروسه تاریخ شفاهی انقلاب و دفاع مقدس در کشور و به‌تبع در گیلان نیز که قریب به اتفاق آثار مربوط به آن توسط دستگاه‌ها و نهادهای دولتی تولید و منتشر می‌شوند، گاهی با آثاری مواجه می‌شویم که با حذف برخی جریانات، زندگی یک شهید یا جانباز را کاملاً دست‌نیافتنی می‌کند.

در کتاب مجنون شمالی (شعبانی‌نژاد و سحرخیز، ۱۳۹۱: ۲۵۱) محمد جلالی یکی از رزمندگان باسابقه پس از شرکت در عملیات و تصرف ارتفاعات ژاژبیل به گردان حضرت ابوالفضل (ع) لشکر قدس می‌رود که مجید مرات فرماندهی آن را برعهده دارد، اما مرات حاضر به پذیرش جلالی حتی به‌عنوان یک نیروی عادی در گردان نیست، واقعاً چرا در کتاب توضیحی برای این ماجرا نمی‌یابیم. شاید چون پژوهشگر حق ندارد درباره اختلاف دو رزمنده بسیجی که در حد فرمانده گردان در جبهه حضور داشتند و یکی از آن‌ها به شهادت رسیده و دیگری جانباز است، بنویسد. در کتاب هفت‌ستون نیز وقتی راوی می‌خواهد خبر شهادت ابوالحسن کریمی را

بیان کند، می‌گوید: «دیدم صبح داره سخنرانی آقای کریمی رو نشون میده، تعجب کردم. با خودم گفتم: آقا صدا و سیما شهید کریمی رو داره نشون میده، خیلی حرفه! چطور اجازه دادن؟! کی اجازه داده؟!...» (عباسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶).
در این فراز آیا برای مصاحبه‌گر این سوال پیش نمی‌آید چرا کسی مانند ابوالحسن کریمی که یکی از شهدای نامدار گیلان است، نباید سخنرانی‌اش پخش شود؟ بی‌گمان مصاحبه‌گران نخواستند جزئیاتی از زندگی و به‌ویژه زندانی شدن این شهید آشکار شود. از همین‌رو تا کنون در کتاب‌های خاطره‌نگاری جز در کتاب به همین سادگی (ره، ۱۴۰۰: ۲۴۳-۲۴۴) به ماجرای زندانی شدن ایشان پس از پیروزی انقلاب اشاره نشده است. چون زندانی شدن شخصیتی مثل ابوالحسن کریمی به بخشی از گفتمان انقلاب در بحث خاطره خدشه وارد می‌کند.

«خاطرات جنگ یکی از بنیادهای گفتمان ساز نظام کنونی ماست... بنابراین مصالح و منافع و ملاحظات گفتمان موجود ممکن است که به خاطره شکل بدهد و این‌ها را از آن اصالت و بکارت و اصل‌مندی که در زمان زایش می‌توانند داشته باشند دور کند» (کمری، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۵).

اکنون قریب به اتفاق کتاب‌های خاطرات را دستگاه‌های دولتی سفارش می‌دهند. این حمایت ممکن است منجر به غلبه روایت‌های همسو شود و سایر روایت‌ها که حتی تضادی بنیادی با نظام ندارند، از دور خارج و دایره روایت‌ها تنگ‌تر شود. بی‌گمان محدود شدن روایت‌ها بخشی از واقعیت را از نظر دور می‌کند، چنان‌که در سه دهه گذشته با وجود انتشار بیش از ۱۳۸ عنوان کتاب خاطرات شفاهی با موضوع جنگ (بینش برهمند، ۱۳۹۶) و پژوهش‌های میدانی در زمینه صنعت، اقتصاد، ورزش و... در حیطه خاطرات شفاهی کتابی منتشر نشده است.

۲-۴. تغییر زمینه و بافت

هر پدیده تاریخی به دلیل مرتبط بودن با عوامل مختلف، همواره می‌تواند دچار تغییر شود. شاید به همین دلیل است که پژوهشگران معتقدند تاریخ همواره در اکنون اتفاق می‌افتد. گاهی یک سند جدید یافته‌های مورخان را پیرامون یک مسئله دچار چالش می‌کند. یافته‌های جدید علمی هم ممکن است به تاریخ تشکیک وارد کند. علاوه بر این هر پدیده تاریخی با تغییر زمینه‌های اجتماعی و تاریخی نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شود. برای مثال اغلب، حاکمان یک سلسله جدید، روایتی متضاد و دیگرگونه از رخدادهای حکومت‌گران سابق دارند، چنان‌که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمتر پیش آمده است که در کنار بیان ستم‌کاری‌های رضاخان، بازتاب بخشی از فعالیت‌های او در زمینه عمران و آبادی کشور را از مراجع رسمی بشنویم.

اگر به تاریخ پس از انقلاب نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم تا سال ۸۸ تقریباً در ذهن بسیاری از اهل جنگ و جبهه، دولت آقای موسوی، دولت جنگ بوده است، تا این سال نقد به دولت آقای موسوی کمتر دیده می‌شود. منتها بعد از قضایای سال ۸۸ انتقادات و حمله‌ها به مرور علیه دولت زمان جنگ شکل می‌گیرد. این امر نشان‌دهنده همان تفاوت زمینه یا موقعیت/بافت است (کمری، ۱۳۹۴: ۴۵-۴۶).

در حیطه تاریخ شفاهی گیلان نیز تغییر بافت‌ها، روی دیگری از روایت‌ها را نشان می‌دهد. مثلاً در برخی از کتاب‌های خاطره که در گیلان منتشر شده است تا سال ۱۳۹۷ به آیت‌الله قربانی نماینده ولی فقیه انتقادی وارد نبود، اما از سال ۱۳۹۷ به بعد که ایشان از نمایندگی ولی فقیه در گیلان کنار رفت، آرام آرام در سایت‌ها، روزنامه‌ها و... انتقاد از ایشان آغاز شد. حمید کامران‌زاده در کتاب به همین سادگی ضمن انتقاد از نحوه اداره شدن دفتر آیت‌الله قربانی، مشکلات به‌وجود آمده بر سر بنگاه‌های اقتصادی مرتبط با دفتر ایشان را نتیجه به‌کارگیری افراد نالایق و آلوده به فساد می‌داند (ره، ۱۴۰۰: ۳۵۶-۴۰۰).

یکی از دلایلی که سبب به میان آمدن این حرف‌ها از سوی یک نیروی انقلابی و همسو با آقای قربانی شده است، بی‌گمان تغییر بافت سیاسی میان این نیروها است. اگر قربانی همچنان بر مسند پیشین باقی بود، شاید روایت‌هایی از این دست آشکار نمی‌شد.

۲-۴. زیباسازی در خاطرات با سازوکار ادبیات

یکی از دغدغه‌های اصلی نویسندگان و سفارش‌دهندگان کتاب خاطرات، جذب مخاطب است. این دغدغه سبب شده است تا بسیاری از نویسندگان این عرصه به بهانه ایجاد بستر لازم برای درک بهتر متن خاطرات شفاهی توسط مخاطبان، از حیطة امانتداری خارج شده و با شدت و ضعف‌هایی متن را از یک واقعه‌نگاری مستند به یک متن ادبی نزدیک کنند. «خاطره را نمی‌توان یکسره در ذیل آثار ادبی محض جای داد، زیرا ویژگی ادبی در خاطره، بالذات نیست و شاکله آن بر واقعیات خارج از ذهن، یعنی عینیات متکی است» (کمری، ۱۳۸۹: ۷۱). در صورتی که خاطرات وارد حیطة متن ادبی شوند، اصالت خود را از دست خواهند داد و به‌عنوان یک داده معتبر برای پژوهش‌گران و تاریخ‌نگاران قابل استناد نخواهد بود.

متأسفانه به دلیل نقش‌آفرینی و دخل و تصرف خارج از قاعده در متن مصاحبه، کتاب‌های مختلف یک نویسنده که روایت آن متعلق به راویان مختلف است از سبک و ویژگی‌های همانندی برخوردارند، در حالی که برای اصالت متن و قابل استناد بودن رخداد، مصاحبه‌گر باید لحن، تکیه کلام و در حد امکان ساختار گفتار راوی را حفظ کند. «بنابراین خاطره در معنای بایسته و راستین آن، اگر از جهت فحوای متن نتواند محل وثوق و اطمینان واقع شود- ولو آن که شاید، شان شایان ادبی داشته باشد- فاقد اصالت و اهمیت واقعی، تاریخی است و اطلاق نام خاطره بر چنین اثری دور از احتیاط و دقت است» (همان).

شهاب احمدپور که در طی چندسال گذشته بیش از هفت اثر در زمینه خاطرات شفاهی جنگ از او منتشر شده است، برخی از نوشته‌های او کاملاً فضایی شبیه داستان دارد. در همین رابطه به بخشی از کتاب «شب‌ها برمی‌گردم» خاطرات نعمت‌الله قائدی توجه کنید: «حالا سی‌ویک سال بعد است. همه چیز فرق کرده. خیلی چیزها، خیلی خاطرات از یادم رفته یا خودم خواسته‌ام که از یادم برود. گفتن اینکه بیا و خاطرات را تعریف کن، راحت است. اینکه یک نفر بنشیند جلو من و حرف‌هایم را ضبط کند که بعداً از روی‌شان کتاب بنویسد راحت است، اما این خاطرات، برای من نگذشته‌اند! تمام نشده‌اند! جریان دارند! حضور دارند! و هر بار که چیزی می‌گویم... می‌آیند سراغم و مرا می‌برند به صدها کیلومتر دورتر، به عراق (احمدپور، ۱۳۹۲: ۱۴).

این سطور که نوشته‌های آغازین کتاب است احتمالاً هرگز از دهان راوی خارج نشده، بلکه این استنباط نویسنده از گفته‌های راوی است که مانند سطرهای آغازین یک رمان جذاب خلق شده است.

در کتاب «خانه هزار فرسنگ از ما دور بود»، خاطرات محمدرضا نعمتی، اسیر آزادشده ایرانی، که مصاحبه و تدوین آن را رزیتا رجایی به انجام رسانده است، سبک نوشتاری نویسنده بر گفتار راوی می‌چربد تا جایی که انگار در حال خواندن یک داستان هستیم نه یک متن مستند واقعه‌نگارانه (رجایی: ۱۳۹۲). این گونه بازآفرینی‌ها اصالت و درستی تاریخ شفاهی را دچار خدشه می‌کند. این در حالیست که «میزان خلوص و چگونگی سندیت این دسته از اسناد [خاطرات] در نزد مورخان تاریخ دانشگاهی، پیوسته محل تردید و بحث زیاد بوده است» (نورایی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

در کتاب خداحافظ چارلی خاطرات انوش نصر نیز، نویسنده نتوانسته است علاقه خود به ادبیات داستانی را پنهان کند و در فرازی از کتاب، متنی با فضای رئالیسم جادویی پیش روی مخاطب قرار می‌دهد: «تلوتلوخوران به ایوان اشکوبه دوم می‌روم. نفسی تازه می‌کنم و به آه و ناله بیماران گوش می‌دهم. دیگر خیلی خسته‌ام و حوصله هیچ کس و هیچ چیز را ندارم. دلم می‌خواهد فقط بخوابم به پرده مشبک آبی‌رنگ دور ایوان تکیه می‌دهم و سرم را روی کنده‌کاری پرنده‌ای می‌گذارم و با صدای آرام خورده‌شدن چوب به خواب می‌روم... روی ملافه عجیب‌ترین اتفاق ممکن روی می‌دهد. حتی عجیب‌تر از پرواز پیرزن خمره‌سوار. یک موتورسوار در حال حرکت کردن بر سطح پارچه است...» (سلحشوری مهر، ۱۳۹۳: ۲۰). این گونه متن‌ها نشان از دلبستگی نویسندگان به ادبیات دارد تا جایی که نمی‌خواهد سیطره واقعیت را در عالم خاطره بپذیرد و گاهی به عالم خیال پناه می‌برد.

در کتاب آقا کلاه آهنیتو به من می‌دی، با اینکه نویسنده در جای‌جای متن، به خاطره و واقعیت وفادار مانده است در سطرهای پایانی کتاب برای افزودن بر جذابیت متن و پایان‌بندی با نثری ادبی کار را به پایان برده است. «در ذهنم صدای هوها هوها گاوگالش‌ها و بازیگوشی همکلاسی‌هایم را می‌شنیدم. تماشای درخشش آفتاب در دشت‌های شاه شهیدان، کوچ سال‌های کودکی را پیش چشمم می‌آورد. چشمم را می‌بستم و خودم را می‌دیدم که در کنار پدر و مادرم به دروازه‌های قدیمی شاه شهیدان نزدیک می‌شدم، پدرم که

می‌دید دستم به زنجیر ورودی نمی‌رسد، بلندم می‌کرد تا بتوانم پارچه‌های نذری آویزان از زنجیر بزرگ را لمس کنم، اما همین که دستم به زنجیر می‌خورد و از شوق چشم باز می‌کردم از آن گذشته خبری نبود...» (علی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۸۳). این علاقمندی به ادبیات داستانی در عناوین برخی از این کتاب‌ها نیز به‌وضوح دیده می‌شود. به جدول زیر توجه کنید.

ردیف	عنوان کتاب	مصاحبه‌گر / نویسنده	سال انتشار
۱	رودخانه‌های کوچک چپرپرد	شهاب احمدپور	۱۳۹۵
۲	وطن سپرده به عشق	میرعمادالدین فیاضی	۱۳۹۲
۳	قدم زدن روی شب	محمد یحیایی	۱۳۹۲
۴	یک سطل آب برای جهنم	مهناز دوستدار	۱۳۹۳
۵	مجنون شمالی	علی‌رضا شعبانی‌نژاد / کامران سحرخیز	۱۳۹۱
۶	ایستادن زیر مرگ	شهاب احمدپور	۱۳۹۱
۷	نامه‌هایی برای یک سنگ	حسین ادهمی	۱۳۹۴
۸	روزهای بی‌تقویم	میرعمادالدین فیاضی	۱۳۹۲
۹	خداحافظ چارلی	کیوان سلحشوری مهر	۱۳۹۳
۱۰	آقا کلاه آهنین تو به من میدی؟	محمد علی‌زاده	۱۳۹۲

قریب به اتفاق این عناوین، سمت‌وسوی رمان و ادبیات داستانی دارند تا خاطره. عنوان‌هایی که از منظر زیبایی‌شناسی ادبی، قابل توجه هستند.

در یک گفت‌وگوی مکتوب تاریخ شفاهی هر چند مصاحبه‌شونده را نمی‌بینیم، اما از نحوه حرف‌زدن به شخصیت او پی برده، و متوجه می‌شویم از کجا آمده و دارای چه سیستم فکری است. کما اینکه نحوه صحبت کردن استاد دانشگاه یا یک شخصیت علمی، فرهنگی با شیوه حرف‌زدن فردی که دکان‌دار، کاسب بازاری و فروشنده است، دارای تفاوت‌های بارزی است. گفت‌وگو با هر کدام از این شخصیت‌ها، معرف تیپ فکری و فرهنگی آن‌ها است. بنابراین مصاحبه در قالب متعالی دیالوگ و شکل‌دهی روایت تجربی (وفادار به واقعیت) به احراز و ابراز امر واقع می‌پردازد (کاموس، ۱۳۹۴: ۴۹). ابراز این امر واقع با جملات شاعرانه یکی از چالش‌های اصالت متن است. به همین خاطر است که برخی پژوهشگران معتقدند: ادبیات جنگ حسب کارکردهای مدنظر نهادهای تولیدکننده، به تدریج در مسیر غنی‌سازی ادبی، که به قصد تأثیرگذاری افزون‌تر بر مخاطب صورت گرفته و می‌گیرد، از عینیت و تمامیت رویداد فاصله گرفت و میل به تولید گزاره‌های شبه‌اسطوره‌ای آن فزونی یافت» (کمری، ۱۳۹۷: ۴۵۴). چون در این فرایند نمی‌توانیم سره از ناسره را مشخص کنیم و تشخیص بدهیم کجای متن مربوط به راوی است و کجای متن زایدۀ تخیل اوست، بی‌گمان روایت دچار تحریف خواهد شد. البته این متن‌ها اگر ساحت‌شان مشخص شود و در مقدمه به میزان دخل و تصرف آن‌ها اشاره شود، به عنوان خاطره‌داستان ... می‌توانند در اختیار خوانندگان قرار گیرند.

نتیجه

بستر و پایه اصلی خاطره بر روایت استوار است و از آنجا که کنشگران و شاهدان عینی یک رویداد، روایت‌شان بر اساس مصلحت، منافع، طرز تفکر، متغیرهای اجتماعی و ... شکل می‌گیرد، در خاطرات شفاهی و مصاحبه، روایان روایت‌هایی متفاوت از یک رویداد را بیان می‌کنند. این تفاوت‌ها و تضادها می‌تواند به اعتبار روایت خدشه وارد کند. تحریف در خاطرات شفاهی به دو شکل کلی صورت می‌گیرد. در شکل نخست (تحریفات فردی) خود صاحب‌خاطره برای بازتاب دیگرگونه روایت، خواسته و ناخواسته نقش ایفا می‌کند که از جمله آن‌ها می‌توان به ورود تصورات شخصی به خاطره، مبالغه یا کم‌رنگ کردن رخدادها و ابراز گزینشی خاطرات اشاره کرد. همچنین پیری و فراموشی نیز در کیفیت مناسب بیان رویداد تأثیر می‌گذارد، اما در شکل دوم (تحریفات

غیرفردی) عوامل بیرونی از جمله صاحبان قدرت و ابزار رسانه که برای هدایت خاطرات جمعی به امر غیرواقع تلاش می‌کنند، نقش تأثیرگذاری در بازمهندسی روایت‌ها دارند. همچنین موضوعاتی که به‌خاطر نگاه خاص صاحبان قدرت، روایت‌شان از رویدادها، محلی برای عرضه نمی‌یابد در کنار حمایت از خاطره‌نگاری‌های خاص، سبب پررنگ شدن بخشی از روایت‌ها و در حاشیه ماندن و کمتر شنیده شدن برخی دیگر از روایت‌ها می‌شود. تغییر زمینه و بافت اجتماعی سیاسی نیز موجب بازتاب دیگرگونه روایت‌ها خواهد شد. علاوه بر این زیباسازی روایت‌ها با سازوکار ادبیات که توسط مورخان شفاهی انجام می‌شود، ممکن است به مخاطبان کتاب‌های خاطره بیفزاید، اما اعتبار تاریخی آن را مخدوش می‌کند. از این رو برای کشف حقیقت، علاوه بر انطباق روایت خاطره‌مندان دیگر با روایت مصاحبه‌شونده که در یک رویداد، حاضر، ناظر و یا کنشگر بودند، پژوهشگر باید از اسناد آرشیوی برای اعتبارسنجی، راستی‌آزمایی و درک درست وقایع تاریخی بهره بگیرد تا خاطرات شفاهی یک شخصیت نزدیک به واقعیت روایت شود.

منابع و مأخذ:

کتاب

- ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۶)، معرفی، تحلیل و نقد کتاب خاطرات عزت‌شاهی، تدوین در تاریخ شفاهی به کوشش علی ططری، تهران: کتابخانه و موزه مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- احسانبخش، صادق (۱۳۸۸)، خاطرات صادق، رشت: انتشارات صادقین.
- احمدپور، شهاب (۱۳۹۲)، شب‌هایم را گرفتند، تهران: انتشارات سوره مهر.
- احمدپور، شهاب (۱۳۹۵)، ششمین روز سرگردانی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- برنجی، بیمان (۱۳۹۵)، دوباره می‌نوازم، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- بینش برهمند، محمدرضا (۱۳۹۶)، کتابشناسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در گیلان، رشت: انتشارات سپیدرود.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۴)، دیوان اشعار ملک‌الشعرا بهار، به کوشش چهرزاد بهار، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷)، ادبیات پایداری و رابطه آن با نهاد قدرت، پویه پایداری، به اهتمام علی‌رضا کمری، تهران: سوره مهر.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۷)، ادبیات انقلاب، پویه پایداری، به اهتمام علی‌رضا کمری، تهران: سوره مهر.
- پرچلم، محمد (۱۳۹۳)، این کردهای عزیز، تهران: سوره مهر.
- تاج‌آبادی، رضا و مرادی‌نژاد، امیر (۱۳۹۰)، مروری بر تاریخ شفاهی دفاع مقدس، به کوشش غلامرضا عزیزی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حقره، امین (۱۳۹۷)، آقای هنر، رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- رجایی، رزیتا (۱۳۹۲)، خانه هزار فرسنگ از ما دور بود، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ره، نادیا (۱۴۰۰)، به همین سادگی، رشت: انتشارات نکوآفرین.
- سحرخیز، کامران و شعبانی‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۹۱)، مجنون شمالی، رشت: انتشارات حرف نو.
- سرهنگی، مرتضی (۱۳۹۷)، ادبیات اردوگاهی، پویه پایداری، به اهتمام علی‌رضا کمری، تهران: سوره مهر.
- سلحشوری مهر، کیوان (۱۳۹۳)، خداحافظ چارلی، تهران: سوره مهر.
- شعله، احمد (۱۳۸۵)، خاطره و جنگ، رشت: انتشارات نکوآفرین.
- عباسی، جمشید و صدوقی، حمیدرضا و گلی، داود (۱۳۹۳)، هفت‌ستون، رشت: انتشارات حرف نو.
- عزیزی، غلامرضا (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی تاریخ شفاهی: مرزهای خاطره، مجموعه مقالات تاریخ شفاهی دفاع مقدس، به کوشش غلامرضا عزیزی: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۳۹۶)، ایستاده در زمان، تهران: انتشارات سوره مهر.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۳۹۷)، جشن ژیباد، رشت: انتشارات نکوآفرین.
- فیاضی، میرعمادالدین (۱۴۰۰)، گزارش به آینده، رشت: انتشارات نکوآفرین.

- کاموس، مهدی(۱۳۹۴)، مفهوم و ماهیت مصاحبه در تاریخ شفاهی(مصاحبه به مثابه دیالوگ و روایت در قالب مصاحبه)، مجموعه مقالات مصاحبه در تاریخ شفاهی، چاپ دوم، انتشارات سوره مهر.
 - کمری، علی‌رضا(۱۳۹۷)، پویای پایداری، تهران: سوره مهر.
 - کمری، علی‌رضا(۱۳۸۹) با یاد خاطره (چاپ دوم) تهران: سوره مهر.
 - کمری، علی‌رضا(۱۳۹۴)، پرسمان یاد، تهران: انتشارات صریح.
 - کونیلن، مری کی و باربارادبلیو، سامر(۱۳۹۲)، راهنمای تاریخ شفاهی، ترجمه رضا مهاجر، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
 - وینتر، جی و سیوان، امانوئل(۱۳۸۷) خاطره و گفتمان جنگ، مترجم: فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
 - یاحسینی، قاسم(۱۳۹۴)، مصاحبه و کاستی‌های آن، مصاحبه در تاریخ شفاهی، تهران: سوره مهر.
-
- مقاله‌ها
 - آریابخشایش، یحیی، «جاسوسان کا. گ. ب در ایران، استاندار جاسوس»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۱۵، ۱۳۸۵.
 - پناهی،عباس، «نقد و تحلیل رویکردهای ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی در جنبش جنگل»، فصلنامه مطالعات ملی، سال بیست و سوم، ش ۳، پاییز ۱۴۰۱.
 - حسن‌آبادی، ابوالفضل، «جایگاه تاریخ شفاهی در تحقیقات تاریخی»، فصلنامه اسناد، سال اول، ش اول، ۱۳۹۰.
 - حسینی، سیدحسین، درنگی بر خاطرات شفاهی گیلان در دهه ۱۳۹۰، ویژه‌نامه درنگ، سال اول، ش اول، ۱۴۰۲.
 - عزیزی، غلامرضا، «آناتومی تاریخ شفاهی»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، ش ۳۴، ۱۳۸۴.
 - نورایی، مرتضی، «درآمدی بر ویراستاری در تاریخ شفاهی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۶، ۱۳۸۶.
 - نورایی، مرتضی و ابوالحسنی‌ترقی، مهدی، «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۸۰، ۱۳۸۹.
 - نورایی، مرتضی، «درآمدی بر پاره‌ای مشکلات نظری و کارکردی تاریخ شفاهی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۴، ۱۳۸۵.
 - نیک‌نفس، شفیقه، «درباره تاریخ شفاهی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۵۵، ۱۳۸۳.

Abstract:

Oral memories are one of the ways to access past events. But sometimes narrators of memory, media and power, etc. change the events to their advantage. According to this research, the distortion of oral memories is done in two individual and non-individual ways. In the individual part, including personal ideas, exaggerating or understating events, selectively expressing and hiding some memories, aging and forgetting, may distort the narrative. In the non-individual part, directing collective memories to unreality, forbidden subjects and topics, supporting special events, changing the context and context of society, and beautifying memories with the mechanism of literature are some of the factors that distort oral memories. which have been analyzed based on the books published in Gilan between 1391 and 1400. The authors are looking for an answer to this question; What factors cause memory distortion? The findings of the research show: since the activists and eyewitnesses of the events, their narratives are formed based on expediency, interests, way of thinking, etc., we often witness different narratives of the events. These differences can damage the credibility of the narration. Also, those in power and the media try to redefine the events in their favor. Therefore, in order to reach speeches close to reality, in addition to benefiting from multiple narratives, verification and validation, the use of archival documents can also play an important role in the representation of memories.

Key words: oral memories, interview, truth discovery, distortion, gilán